

موانع ارتقای فاینانس اسلامی

ترجمه: شهلا رحیمی - اداره بین الملل بانک کشاورزی

فاینانس اسلامی بیشتر در بخش نقل و انتقالات فردی یا مطالبات خرد بوده، سؤالی که ایشان مطرح می‌کند، اینست تا چه اندازه فاینانس اسلامی به وعده‌های خود عمل کرده است؟ اگر چه او به این حقیقت اعتراف می‌کند که مطالبات خرد، فضای کلان را بوجود می‌آورد.

در اولین بحران سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸، مؤسسات مالی اسلامی در مقایسه با بانک‌های عادی متوجه ضرری نشدند، چرا که بانک‌های اسلامی با تاکتیک‌های تجاری موفق در مقایسه با بازارهای مالی که در حال از هم پاشیدن بودند، نتایج بسیار مطلوبی گرفتند. «اما قابل ذکر است که ضرر یاد شده به مقدار کم و تنها در مراحل بسیار اولیه بسیاری از بانک‌های عادی را تحت تأثیر قرار داد که این حقیقت در تجزیه و تحلیل‌های بعدی نادیده گرفته شد. این بانک‌ها معمولاً بانک‌های بازارهای نوپا بودند که پایه سپرده قوی، سیاست‌های وام‌دهی محتاطانه، فعالیت‌های تجاری هدایت شده، تعهدات منطقه‌ای قوی و عرضه بین‌المللی محدود دارند»، دکتر Nienhaus در ادامه توضیح می‌دهد که این ویژگی‌های اقتصادی، بیشتر از اصول شریعت در موفقیت اکثر بانک‌ها در بحران دوره اول تأثیرگذار بوده‌اند.

در دومین موج مشکلات بازار، داستان به صورت معکوس برای مؤسسات مالی اسلامی اتفاق افتاد. مقاله‌ای از صندوق بین‌المللی پول (IMF) بیانگر این مطلب است که بانک‌های اسلامی (که سود زیادی را نسبت به بانک‌های عادی در سال‌های اولیه بحران اقتصادی بدست آورده بودند) در سال ۲۰۰۹، رکود اقتصادی شدیدی را تجربه کردند.

اگر چه تاکنون از عدم پرداخت وام در سررسید در بانک‌های اسلامی اجتناب شده، اما جریان تزریق سرمایه جهت نجات مالی و تغییر ساختار وام در این بانک‌ها بسیار چشمگیر می‌باشد، مانند سرمایه‌گذاری Finance House Gulf, Dar بحرین، وام‌های رهنی Tamweel و املاک (دوبی)، بانک اسلامی نور (دوبی) و نیز مداخله بانک مرکزی قطر به نفع بانک‌های اسلامی.

در بریتانیای کبیر، بانک اسلامی بریتانیا - پس از پنج سال فعالیت - تنها ۵۰ هزار نفر از ۲/۵ میلیون مشتری بالقوه در بریتانیا را جذب نموده که حاکی از اینست که قدرت نفوذ آن در بازار دو درصد بوده است. به دنبال ضررهای انباشته سالانه،



آقای دکتر Nienhaus، محقق و پژوهشگر برنامه پژوهشی مشترک کمیسیون اوراق بهادار مالزی و دانشگاه مالزی معتقد است که دنیا در پی سیستم مالی بهتری است تا بتواند در زمینه‌های ثبات بیشتر، تخصیص کارآمد منابع، توزیع منصفانه، ضمانت سرمایه‌گذاران، تقسیم ریسک، پایداری و دوام بیشتری را فراهم آورد.

در ده سال گذشته، ما شاهد گسترش فاینانس اسلامی بوده‌ایم. بحران مالی اخیر، بدون تردید نشان داد که سیستم مالی جهانی نتوانست به قول‌های خود جامه عمل بپوشاند. در نتیجه، توجه به فاینانس اسلامی متمرکز شده و این صنعت در کشورهای غیر مسلمان در اروپا، آمریکای شمالی، آسیا و استرالیا شروع به شکل‌گیری کرده است. اما واقعیت این است که فاینانس اسلامی نیز به طور کامل از این بحران در امان نبوده است. با وجود این از یک طرف، وثیقه‌های معتبر و همبستگی آن با اقتصاد واقعی به همراه اصول تقسیم ریسک، ویژگی‌های مهمی بوده‌اند که باعث موفقیت فاینانس اسلامی شده‌اند. از طرف دیگر، دکتر Nienhaus معتقد است که قوانین و اصول اسلامی در مورد ربا و غرار نیز در این موفقیت سهیم می‌باشند. با در نظر گرفتن اینکه موفقیت

مالزی

بسیاری از افراد در مورد نفع خدمات بانک‌های اسلامی نسبت به خدمات بانک‌های متداول تردید دارند.

بانک اسلامی بریتانیا با مداخله بزرگ‌ترین سهامدار آن، یعنی بانک سرمایه‌گذاری قطر، از بحران نجات پیدا کرد.

بنا به گفته آقای دکتر Nienhaus، این مطلب توجه ما را به موضوع مدیریت بحران معطوف کرده، جاییکه نقدینگی ناکافی در بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی می‌توانست اثر نامطلوبی بر بحران بگذارد. موضوعات دیگر دارای اهمیت شامل حسابداری، حسابرسی استانداردها در بانک‌های اسلامی به همراه نیاز به شفافیت بیشتر، تقویت فرآیندهای ارزیابی، رشد توانایی از طریق آموزش و رشد استعداد می‌باشند.

کمیسیون خدمات بانکی اسلامی (Islamic Financial Services Board) با تأسیس مؤسسه اسلامی مدیریت نقدینگی بین‌المللی (Islamic International Liquidity Management Corporation)، حل این کمبودها در زیرساخت نقدینگی صنعت مالی اسلامی را تسهیل نمود. هدف اصلی این نهاد، ایجاد ابزار مالی منطبق بر شریعت اسلام به منظور تسهیل در مدیریت نقدینگی مؤثر مؤسساتی است که خدمات مالی اسلامی ارائه می‌دهند و همچنین تسهیل در روند ابزار منطبق بر شریعت اسلام در آنسوی مرزها می‌باشد.

با در نظر گرفتن موضوع ریسک، اساساً دو نوع ریسک مهم در اقتصاد وجود دارند که اولی ریسک اقتصاد واقعی است. در بانکداری اسلامی نیز دو نوع ریسک بچشم می‌خورد: ریسک اول، ریسک واقعی اقتصاد و ریسک دوم ریسک بخش مالی است که زاینده بحران مالی جدید می‌باشد. این نوع ریسک در مورد بانک‌هایی مصداق دارد که از سپرده‌ها برای ایجاد اعتبار استفاده می‌کنند که نتیجه کار تأمین مالی خواهد بود و دیگر مرتبط با اقتصاد واقعی نیست.

دکتر Nienhaus سپس به بازل ۳ اشاره می‌کند که در آن الزامات مدیریت ریسک بازل ۲ تصحیح شده و موضوعات جدیدی اضافه گردیده است. با وجود اینکه این موضوع ارتباط کمی با فاینانس اسلامی (به خصوص در مورد تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بهادار) دارد، او متذکر شد که استانداردها، توصیه‌های منتشره IFSB در مورد مدیریت ریسک می‌باشند و در بسیاری از حوزه‌های قضایی اجرا نشده‌اند. برای مثال، نکول بعضی از بانک‌های اسلامی نشان می‌دهد که ریسک‌های نسبت بالای بدهی به دارایی خالص، به علاوه عدم تطابق سررسیدها، به درستی ارزیابی و مشخص نشده‌اند. علاوه بر این، تمرکز زیاد بر تأمین مالی و دارایی‌ها در یک بخش، مشکلاتی را متوجه کشورهای حوزه خلیج فارس نموده است. به همین دلیل، دکتر Nienhaus موضوع ریسک طرف مقابل یا ریسک اعتباری را مطرح می‌نماید که در ارتباط با عبارات مشکوک و لازم‌الاجرای قراردادهای منطبق بر شریعت اسلام و فقدان ساختار و مراحل تجزیه و تحلیل معتبر به چشم می‌خورد. ادعای مطالبه مؤسسه‌ای علیه مؤسسه دیگر و فقدان صراحت در اسناد خدمات اسلامی، باعث نگرانی در مراجعات طلبکاران شده است. به علاوه، امکان دارد که عبارات مبهم و نامشخص در قراردادهای منطبق بر شریعت و خدماتی همچون صکوک، منجر به دادخواهی شود، به ویژه با توجه به این مطلب که



هدف اصلی مؤسسه اسلامی مدیریت نقدینگی بین‌المللی، ایجاد ابزار مالی منطبق بر شریعت اسلام به منظور تسهیل در مدیریت نقدینگی مؤسساتی است که خدمات مالی اسلامی ارائه می‌دهند.



در بانکداری اسلامی نیز دو نوع ریسک به چشم می‌خورد: ریسک بخش واقعی اقتصاد و ریسک بخش مالی.

بسیاری از قراردادهای منطبق بر شریعت، کیفیت قانونی معتبر و حکم قانونی برای اجرا ندارند.

نگرانی دیگر، فقدان دستورالعمل است که تغییر ساختار ابزار وام اسلامی را سخت و وقت‌گیرتر از تغییر ساختارهای متداول مینماید. دلیل این موضوع هم مصوبات گوناگون هیأت شریعت اسلام است (هم در بخش بدهکار و هم در بخش بستانکار) که نیاز به تفسیرهای شریعت دارد.

مانع دیگر مربوط به مقدار نفوذ بانک‌های اسلامی است. دکتر Nienhaus می‌گوید: سپرده‌های اسلامی که مقدار هنگفت آن را دولت و شرکت‌ها تأمین می‌کنند، تنها بخش کوچکی از کل تعهدات را در برمی‌گیرد. این مطلب نشانگر نفوذ اندک در بازار علیرغم تلاش‌های مستمر این صنعت می‌باشد. افراد بسیاری در مورد نفع خدمات بانک‌های اسلامی نسبت به خدمات بانک‌های متداول تردید دارند و این بی‌میلی در میان افراد عادی در مورد سپرده‌گذاری در بانک‌های اسلامی به‌عنوان یک نگرانی هنوز دیده می‌شود.

مسائل مطرح شده فوق به هم مرتبط هستند و در صورتیکه به نحو صحیح بررسی نشوند، به‌عنوان موانع یا سدهایی جدی فراراه فاینانس اسلامی باقی خواهند ماند.